

## ویژگی های زبانی قرآن مترجم ۲۰۰۳

اکرم حاجی سیدآقایی (عضو هیئت علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

در کتابخانه مجلس شورای اسلامی دو نسخه با شماره‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ وجود دارد که طبق بررسی و تحقیق مرتضی کریمی‌نیا، این دو نسخه بخش‌هایی از یک قرآن مترجم کهن است که در اوایل قرن ششم هجری در تملک خانمی به نام خراسان بنت ابی‌القاسم بن علی بن مانکدیم بوده و تاکنون ۱۲ جزء مختلف آن در کتابخانه‌های مختلف ایران و جهان یافت شده است (کریمی‌نیا ۱۳۹۶، ص ۷۱). موضوع این نوشتار بررسی و بیان شماری از ویژگی‌های زبانی قرآن شماره ۲۰۰۳ است.<sup>۱</sup>

در فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی (ج ۶، ص ۳) در معرفی این نسخه چنین آمده است:

شامل جزء بیست و پنجم و بیست و ششم و بیست و هفتم و بیست و هشتم از آیه ۴۶ سوره فصلت تا آیه ۱۲ سوره التحریم. این نسخه شامل چهار جزء دیگر از همان مصحفی است که در شماره پیش ذکر آن گذشته<sup>۲</sup> و همان خصایص در سبک انشای ترجمه آن بین السطریین نوشته شده دیده می‌شود ...

طول و عرض این نسخه ۲۰ در ۱۶ سانتی‌متر است. ۱۵۸ صفحه است و هر صفحه ۵ سطر متن آیه و ۵ سطر ترجمه دارد. متن به خط نسخ پیش از یاقوت بسیار جلی و تشدیدها و مدها را با زرنگار و لاجورد و نقطه‌هایی از سنگرف بالای سطرها گذاشته‌اند. ترجمه به خط نسخ ریزتر است. دو صفحه اول دو سر عشر شاخ‌گوزنی از طلا و سرنج و لاجورد دارد.

۱. نگارنده درباره ویژگی‌های زبانی و لغوی نسخه ۲۰۰۲ مقاله‌ای نگاشته است.  
۲. منظور همان نسخه شماره ۲۰۰۲ است که در صفحه ۲ فهرست مشخصات آن ثبت شده است.

در حواشی در حزب‌ها و جزءها ترنج‌هایی از لاجورد و سرنج و طلا ساخته‌اند و در موارد وقف دایره‌های کنگره‌دار از شنگرف و طلا و لاجورد ساخته‌اند و در موارد وقف دایره‌های کنگره‌دار از شنگرف و طلا لاجورد ساخته‌اند که در میان آن‌ها به سفیداب حروف مقطع الفبا را نوشته‌اند. بعد از هر آیه ترنج کوچکی از شنگرف و طلا کشیده‌اند. کاغذ آن اصفهانی رگه‌دار بی‌آهار شکری است. خط و کاغذ و ذهیب و رسم‌الخط و سبک انشای فارسی معمول اوایل قرن هفتم است. ابتدای جزء ۲۸ در این نسخه مفقود است.

#### نکات مختصری درباره رسم‌الخط متن

آ: در همه موارد بی‌مد نوشته شده است: اکاه (۱ رو).  
برخی الف‌های متصل به این صورت نوشته شده است: **بے سآب** (۹ پست).  
پ: به دو صورت کتابت شده است: الف) به شیوه نگارش نسخه‌های کهن، با یک نقطه: براکنده (۷ پست، ب) بدون نقطه: بدیدار (= پدیدار) (۳ پست).  
چ: به دو صورت کتابت شده است: الف) در اکثر موارد، طبق رسم‌الخط نسخه‌های کهن، با یک نقطه: انج (۱۳ رو، ب) بدون نقطه: هیح (= هیچ) (۱ پست)، حه (= چه) (۸ رو).  
چه در این نسخه به شکل‌های «ج، جه، حه، حی» کتابت شده است.  
ح: در برخی کلمات در زیر یا در دل آن معمولاً «ح» بسیار کوچک - کامل یا نیمه - می‌گذارد: بناحق (۱۴ رو)، قحطی (۱۶ رو).  
د: الف) در برخی موارد با یک نقطه در زیر: دین (۷ پست)، دانا (۱۱ پست، ۳۴ پست، ب) بدون نقطه: کرد (۶ پست).  
ز: الف) در مواردی با یک نقطه در زیر: امررکار (= آمرزگار) (۱۱ پست، ب) بدون نقطه: دردناک (۱۰ پست).  
ذ: در بسیاری موارد قاعده ذال معجمه رعایت شده و در مواردی نیز بدون نقطه آمده است: بذ (۲ پست)، بوذ (۲ رو)، نومید (۲ پست)، خداوند (۲ رو).  
س: به دو صورت آمده است: الف) با داشتن سه نقطه در زیر آن: بسپار (۱۳ پست)، هرکپی (۱۵ پست)، نیپاسی می‌کند (۱۶ رو؛ ب) به شکل متداول: سیر (۲ پست)، بس (= پس) (۲ پست).  
گ: در همه موارد مانند «ک» نوشته شده است.

ی: این حرف عموماً با دو نقطه زیر (در اکثر موارد افقی و در مواردی اندک عمودی) به صورت‌های «ی» / «پی» / «ی» / «پی» کتابت شده‌است: ادمی (۲ پشت)، مردپی (۲۷ پشت)، می‌خواهند (۴ رو)، و در مواردی معدود، بدون نقطه، مطابق رسم الخط متداول امروز: کُنی (۵ پشت). که در این نسخه به شکل‌های «کی»، «ک»، «ک»، «ک»، «ک» و «که» نگاشته شده‌است: کی (۹ پشت)، انک (۶ رو)، کما (۲ رو)، که (۱ پشت). در مواردی «ک» مطابق رسم الخط قدیم به کلمه بعد از خود چسبیده‌است: کستم کاران (۱۰ پشت)، کنومید (۱۲ پشت)، کمی روند (۱۳ پشت)، کمن (۳۵ رو)، کمرا (۳۵ رو).

درباره کلمات مختوم به «ها»ی غیر ملفوظ نکات زیر گفتنی است:

۱. در جمع بستن با نشانه جمع - ها به دو صورت کتابت می‌شوند: (۱) با یک «ه»: خانهای ایشان (۴۴ پشت)، اندازهای خذا (۷۲ پشت؛ ۲) با دو «ه»: دیهها (۴۸ رو)، دهها (۷۳ رو).

۲. به هنگام اضافه شدن به کلمه بعدی به سه صورت کتابت شده‌اند: (۱) بدون هیچ‌گونه علامت نوشته می‌شوند: بهمه چیزها (= بهمه چیزها) (۶ رو)، داندن ناپیدا (۷۱ پشت)، همه ادبان (= همه ادیان) (۵۹ رو؛ ۲) با «ی» بین مضاف و مضاف‌الیه: نکارنده حلسو (= نگارندهی خلق) (۵۱ پشت)، دسته‌ی کباب (= دسته‌ی کتاب) (۶۲ پشت)، داندن‌هی ناسدا (= داندن‌هی ناپیدا) (۶۳ پشت؛ ۳) با یای نصفه بین مضاف و مضاف‌الیه: سازنده‌ی کار (۷۶ پشت)، توبه‌ء نصوص (۷۷ رو).

۳. «ی» نکره پس از کلمات مختوم به «ه» به صورت‌های زیر می‌آید:

الف) به صورت «ه» پس از کلمه: بنده‌ء (= بنده‌ای) (۲۸ رو)، اموحته‌ء (= آموخته‌ای) (۳۵ پشت).

ب) به صورت «ی» پس از کلمه: بهره‌ی (= بهره‌ای) (۲۰ رو)، خانه‌ی (= خانه‌ای) (۷۹ پشت).

۴. در دو کلمه مختوم به «ه» حرف ماقبل آخر با فتحه ضبط شده‌است: گماشته (۴ رو)، فتنه (۳۵ پشت).

۱. در اتصال به کلمه قبل.

۲. در اتصال به کلمه بعد.

«ة». کلمات عربی مختوم به تاء گرد به سه شکل آمده است: الف) با املاى عربى: امة (۵ پشت)، ب) به صورت «ها»ى غير ملفوظ: لغه عرب (۵ پشت)، زکاه (۸ پشت)، ج) با «تا»ى کشیده: توریت (۵۸ رو).

در برخی کلمات همزه آغازى کتابت نشده است: ازو (۳۵ پشت)، ازین (۵۸ رو)، چنو (۳۵ پشت)، حقست (۵۹ رو)، وز (۴۶ پشت)، وگرچه (۴۶ رو)، ورو (۷۳ رو).

#### ترجمه نشدن حروف و کلمات و یا بخشی از آیه

گاه بخشی از یک آیه و به ندرت یک آیه کامل ترجمه نشده است:

در آیه ۱۳، سوره مجادله «وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» ترجمه نشده، در برگ ۴۰ پشت، آیه ۲، سوره الجاثیه، ترجمه نشده است و نیز در برگ ۴۳ رو، آیه ۱، سوره حشر ترجمه ندارد. برخی موارد دیگر که بخشی از آیه ترجمه ندارد (۴۲ پشت، ۴۹ رو، ۵۲ رو، ۵۳ رو).

#### حذف

حذف به شکل‌های زیر در این متن وجود دارد:

- حذف صامت [r]: د (= در): د آسمانها (۵۱ پشت)، کا (= کار): (۷۲ رو).
- حذف n پس از مصوت بلند: ای (= این): ای مراسم (۲ پشت)، و به درستی که ای قرآن عزیزست (۲۶ پشت)، ای جای (۶۰ پشت)؛ ایشا (= ایشان): (۴۰ رو).
- حذف n قبل از «د»: بده = بنده: خواهد به درستی کاوست بندگان (= به بندگان) او آگاه و بینا (۱۲ پشت)، جنبندگان<sup>۳</sup> (اصل: حسدکان) (۱۲ رو)، در مقابل جنبندگان (۴۰ پشت).
- حذف (ی) نکره<sup>۴</sup>: آیات (= آیاتی) (۱۳ پشت)، شیطان (= شیطانی) (۲۴ رو)، داستان (= داستان) (۲۸ پشت)، لشکر (= لشکری) (۳۶ پشت)، چیز (= چیزی) (۴۱ رو، ۵۵ رو، ۵۶ پشت)؛ مردمانرا (= مردمانی را) (۶۶ پشت).

۱. حذف r در بافت‌های پس از مصوت کوتاه یا بلند و میان مصوت‌ها صورت می‌گیرد (← حاجی سیدآقایی ۱۳۸۷، ص ۹۵-۷۵).

۲. درباره حذف n علی‌اشرف صادقی می‌نویسد: «بعد از مصوت‌های بلند، عنصر دندانی n به تدریج ضعیف و بعداً حذف شده، ولی ویژگی دماغی آن به مصوت قبل از خود منتقل شده است (← صادقی ۱۳۸۳، ص ۷).

۳. تحول روی داده در خوشه [nd] موجود در پسوند anda(/e) را می‌توان چنین نشان داد: -d- > -d(d)- > -nd- (← حاجی سیدآقایی ۱۳۹۱، ۲۱۶).

تبدیل nd به d به این صورت بوده که تلفظ خیشومی یا غنه n قبل از d و بعد از مصوت به تدریج حذف شده است. ۴. در این باره باید گفت: یای نکره مجهول است و در گذشته در برخی نسخه‌های مکتوب قرن چهارم و پنجم نشانه خاصی برای یای مجهول وجود داشته و آن به صورت «ی» بوده است که در بالای آن الف مدی کوتاه وجود داشته است (← تفسیر قرآن پاک) و در مواردی نیز به جای آن کسره گذاشته شده (در لسان‌التزیل، ص ۱۳۴).

۵. حذف شناسه سوم شخص - د: بیامرز (= بیامرز) (۶۰ پشت).
۶. حذف «ی» از شناسه «-ید»: بمیراث بشما دهند آنرا بدانچ شما کردی (۳۱ پشت)، گفت موسی قوم خویش را یا قوم چرا مرا می‌رنجانی (۵۸ پشت)، می‌دعوی کنید که شما دوستان خدای ای از فرود مردمان تمنی مرگ کند اگر هستی شما راست‌گویان (۶۲ رو)، تمام کردی نماز را (۶۳ رو)، یا شما که برویدگانی (۴۹ رو، ۶۰ رو)؛ یا شما که مومنانی (۵۷ رو، ۵۹ رو، ۶۳ پشت).
- حذف «د» از «ند»: ایشان در آن می‌نازیدن (۳۶ رو)، بگشتن از (۴۰ رو)، بگشتن از راه خدای عزوجل (۶۴ رو).
- حذف «د» پس از «ر»: کریمی (= کردیمی): از زر (اصل: ار رر) کریمی (۲۴ رو).
- حذف «ز»: بنه‌خواهد امرید<sup>۴</sup> خدای ایشانرا (۶۶ پشت).
- حذف «و» (هجای va): ولکن درآرد [۵ پشت] آنرا کخواهد، ایمان آرند ور (۱۳ رو)، بیرون آرند (۱۹ رو)، ایمان نیارید (۳۶ پشت)، بیارید [۳۷ پشت] پدران ما، ایمان آرید (۵۳ پشت، ۵۹ رو، ۶۹ پشت)، پدید آرد (۵۴ پشت)، شرک نیارند وا (۵۶ پشت)، فرزند نیارند (۵۶ رو)، درآرد شما را (۶۰ پشت)، درآرد او را در (۶۹ رو)، درآرد او را در (۷۲ پشت)، درآرد شما را در (۷۸ پشت).

### ابدال

صورت‌های مختلف ابدال در این متن دیده می‌شود:

- «ب» به «و» در اول و وسط کلمه: از زور (۴ پشت)، و خشاینده (۳۵ پشت)، وا (۶ پشت)، واز (۶ پشت)، ور (۱۱ پشت)، ویزار (۲۲ رو)، دیوا (= دیبا) (۳۹ پشت)، نیاوی (= نیایی) (۴۲ پشت)، واپسین (۴۲ پشت)، ویدادگر (۴۹ پشت) (در مقابل بی دادگر [۶۲ رو])، وی عیب (۵۰ رو).

(جوانان) و ۱۸۶ (دوستان) و این نشان می‌دهد که «در قرون گذشته در بعضی مناطق ایران بای مجهول نکره (ē) به صورت مخفف e تلفظ می‌شده است» (صادقی ۱۳۸۴، «تدقیقی...»، ص ۵۴)، اما در برخی متون این کسره نیز کتابت نشده. ظاهراً e فقط در تلفظ می‌آمده و در خط منعکس نمی‌شده است. موارد فوق نیز از این دست است.

۱. تحول رویداده در این کلمه حذف d از شناسه سوم شخص عد / ad- است که در متون دیگر نیز دیده می‌شود (← صادقی و حاجی سیدآقایی ۱۳۹۰، ص ۴۷-۴۸). امروز نیز در فارسی تهرانی شناسه سوم شخص مفرد مضارع به شکل e- و در شهرستان‌ها به صورت a- تلفظ می‌شود (همان، ص ۴۷-۴۸).

۲. حذف d پس از صامت غنه n در بسیاری از متون کهن و نیز گویش‌های امروزی نمونه‌های بسیار دارد (← حاجی سیدآقایی ۱۳۸۸، ص ۱۱۶-۱۱۷).

۳. صامت دندانی و انسدادی d پس از صامت لثوی و تکریری r قرار گرفته و سپس حذف شده است. به نظر می‌رسد صامت r باعث حذف همخوان d شده باشد (برای شواهد بیشتر، ← حاجی سیدآقایی ۱۳۸۹، ص ۲۵-۲۶).

۴. امرید = آمرید

«ز» به «ذ»: گداف‌کاران (۳۷ پشت)، جدای (= جزای) بدی بدی بود (۱۴ پشت).  
آنچا (اصل: احا) (= آنچه) شما نبریدید (۴۴ رو).  
فرستاده‌ایم (= فرستاده‌اند)<sup>۱</sup> (۲۲ رو).

#### تخفیف

تخفیف به اشکال زیر در متن مورداستناد دیده می‌شود:

#### الف) تخفیف $\hat{a}$ (در قدیم $\bar{a}$ )

دهن (۵۹ پشت).

ر (= را):<sup>۲</sup> ایشان (= ایشانرا) (۵ پشت)، خدایر (۳۱ رو)، ترا بنمایم آنچه وعده کرده‌ایم  
ایشانر (۲۵ رو).

بدن (= بدان): بفرستاد از آسمان آب باندازه زنده کنیم بدن (= بدان) شهری را که آن  
بمرده بود (۱۹ رو).

بری ... را (= برای ... را): بری آنرا که بیرون آمده‌اید جهادکنان در راه من (۵۱ رو).

#### ب) تخفیف $i$ (در قدیم $\bar{i}$ و $\bar{e}$ )

پرهزکارا (۲۴ رو)، پرهزید (۵۶ پشت)، پرهزید (اصل: بهرهزیر) (۷۱ رو).

خوش (= خویش) (۴۴ پشت)، خوشاوند (= خویشاوند) (۴۵ رو)، اشان (= ایشان) (۴۱  
رو).

اندوهگن (۲۱ پشت، ۳۰ رو).

#### م- به جای -یم

در متن چهار مورد شناسه اول شخص جمع به صورت -م آمده است<sup>۱</sup>:

۱. شناسه سوم شخص جمع در پهلوی  $\bar{e}nd$ - است مراحل تحول فوق چنین است:  $\bar{e}nd \leftarrow \bar{e}n \leftarrow \bar{e}m \leftarrow$  صادقی و حاجی‌سیدآقایی ۱۳۹۰، ص ۳۳-۳۴).

۲. کاربرد «ر» به جای «را» در تعدادی از متون کهن فارسی دیده می‌شود و تلفظ آن احتمالاً «ر» (ra) یا «ری» (ri/e) و یا «ر» (rə) و شاید «رُ» (ru/o) بوده است (صادقی ۱۳۸۵، ص ۳۵۲). از جمله متون کهنی که این ویژگی در آن‌ها دیده می‌شود تفسیر ابوالفتح رازی (ج ۱۳، ص ۲۹۳ و نیز ج ۱۷، ص ۳۲۰) و تفسیر قرآن مجید (ج ۱، ص ۴۵۲، ج ۲، ص ۲۲۳ و ۲۳۲) است (برای شواهد بیشتر، ← صادقی ۱۳۸۵، ص ۳۵۲ و نیز غلامرضایی و حاجی‌سیدآقایی ۱۳۸۶، ص ۸۴ و ۸۵).

عزوجل نپرستیدمی (= نپرستیدیمی) ایشانرا (۲۱ رو)، ما کردمی (۲۴ پشت)، و ما بدایشان  
نمایم (۲۶ رو)، چون داد از ایشان بستانم بآب فروبردیم ایشانرا همه (۲۸ پشت)؛  
«د» بجای «ید»: می‌دعوی کنید که شما دوستان خدای ای ازفرودمردمان تمنی مرگ  
کند اگر هستی شما راست‌گویان (۶۲ رو).

### ج) تخفیف $\bar{o}$ و $\bar{u}$ به $o$ و $u$

چنو (= چون او) (۳۵ پشت، ۵۱ پشت) در مقابل چون (۷ رو)؛  
بدی (= بودی): نزدیک بدی (۴ پشت) در مقابل بودی (۱۰ پشت).

### اضافه

اضافه شدن  $r$  غیراشتقاقی<sup>۳</sup>: ارورد: پدید آرورد خدای عزوجل ازپس دشواری آسانی (۷۳ رو).

اضافه شدن «د» به نشان مصدر «ن»: جستند (= جستن): بری آنرا<sup>۴</sup> که بیرون آمده‌اید  
جهادکنان در راه من و بجستند خشنودی من (۵۱ رو).

گویند (= گوید، در ترجمهٔ قال)<sup>۵</sup>: گویند ای کاشکی میان من و میان تو بودی دوری دو  
مشرق (۲۵ پشت).

انشان (= ایشان)<sup>۱</sup>: انشان مردمانی‌اند که بنه دانند (۴۸ رو).

۱. شناسهٔ اول شخص مفرد و جمع در زمان حال، در زبان پهلوی ēm- است که بعدها به om- و am- تحول یافته‌است، ضبط‌های فوق نشان می‌دهد که شناسهٔ اول شخص جمع (یعنی ēm-) در زمان مؤلف یا کاتب به em- تخفیف پیدا کرده‌است (صادقی ۱۳۸۶، ص ۳۹۱).

۲. شناسهٔ دوم شخص جمع در زمان حال، در زبان پهلوی ēd است (آموزگار و تفضلی ۱۳۸۲، ص ۷۴) ضبط فوق نشان‌دهندهٔ آن است که شناسهٔ ēd به ed- مخفف شده‌است (← صادقی و حاجی‌سیدآقایی ۱۳۹۰، ص ۳۱۳۲).

۳. ظهور [r] غیراشتقاقی در زبان‌های ایرانی و غیرایرانی دیده شده‌است. بافت‌هایی که در آن‌ها [r] غیراشتقاقی اضافه می‌شود عبارت‌اند از: بافت بعد از مصوت (کوتاه یا بلند)، بافت بعد از صامت‌های لثوی و دندانی و تیغه‌ای (صادقی ۱۳۸۴، ص ۱۳).

۴. علی‌اشرف صادقی دربارهٔ افزوده شدن d غیراشتقاقی به کلمات مختوم به n می‌نویسد: «این نوع صامت انسدادی، که در پایان کلمات افزوده می‌شوند، در اصطلاح excrement، یعنی آنچه به‌صورت زاید رشد کرده، صامت بالیده نامیده می‌شوند؛ مثلاً کهن در تلفظ عوام قم به‌شکل کهند (kohand) درآمده‌است، در زبان روستای ماچیان رودسر گیلان، کلمات شن، چمن و دشمن به‌صورت شنند، چمند و دشمند تلفظ می‌شوند» (صادقی ۱۳۷۳، ص ۹).

۵. برای آنرا.

۶. شناسهٔ سوم شخص مفرد در زمان حال در پهلوی ēd است و در اینجا ēd پهلوی ابتدا به edd- و سپس به end- تبدیل شده‌است (← صادقی و حاجی‌سیدآقایی ۱۳۹۰، ص ۱۸-۱۹).

ید به جای سند: بل کی می پندارید کی ما نمی شنویم نهان ایشان (۳۲ پشت)، چون بینید بازارگانی یا لهو برونند بسوی آن (۶۳ رو).

### صامت میانجی

در این نسخه صامت میانجی به دو صورت «ی» و «ء» دیده می‌شود: جایهای خوش (۳۶ رو)، خطاء ابد (۹ پشت). در مواردی بسیاری، نیز صامت میانجی نیامده است: دوروی (= دورویی) (۴۷ رو)، خانها ایشان (۲۴ پشت).

### ادغام

سختر (۱۹ پشت، ۴۸ پشت)، هیچیز (۶ پشت، ۳۵ پشت، ۵۳ پشت).

### اشباع

بویی (= تری) ستمکارانرا ترسان (۱۰ پشت) ،  
کیلیدها (اصل: کئلدها) (۶ رو)،  
بیمیراند (اصل: سمیراند) (۵ رو).

### جمله‌های استفهامی

نکات قابل توجه درباره جملات پرسشی موارد زیر است:

۱. کلمه انشان (= ایشان) در نسخه ترجمه تفسیر طبری (نسخه گلستان)، تفسیر ابوالفتوح رازی (ج ۸، ص ۱۷۲، حاشیه) دیده می‌شود: ← صادقی، ۱۳۸۵، ص ۳۵۳). مراحل ابدال ایشان به انشان چنین است: awēšān → ešān → enšān (صورت پهلوی).
۲. شناسه سوم شخص جمع در پهلوی ēnd- است (آموزگار و تفضلی ۱۳۸۲، ص ۷۴). شناسه ید (-ēd / īd) که در مثال بالا ذکر شد، صورت تحول یافته ēnd- است. بدین صورت که ēnd- با حذف n به صورت ēd- و سپس در مرحله بعد به īd- بدل شده است (← حاجی سیدآقای ۱۳۸۹، ص ۱۳-۱۵ و نیز صادقی و حاجی سیدآقای ۱۳۹۰، ص ۳۷-۳۹).
۳. پیشوند فعلی «ب» در برخی متون، مفتوح، مکسور و در مواردی معدود مضموم ضبط شده است. به نظر می‌رسد در این متن «ب» اشباع شده و به صورت «بو» درآمده است. «بو» در متون دیگر نیز دیده می‌شود: بویر به جای بپر (فرهنگنامه قرآنی، ج ۱، ص ۱۴۳)؛ بویی به جای ببینی (همان، ج ۲، ص ۴۴۴ و ۴۵۷)؛ بوپرستید به جای پپرستید (همان، ج ۱، ص ۱۸۲)؛ بوکنید به جای بکنید (همان، ج ۱، ص ۱۹۴). فرابوپذیرد به جای فراپیذیرد (ترجمه تفسیر طبری، ج ۴، ص ۱۰۵۸). بو در فعل‌های بوچنیم (= بچینم) و بوپارسر (= بپرسد) در فلهویات شیخ صفی‌الدین اردبیلی نیز به کار رفته، با این تفاوت که در آنجا bu (= bo) خوانده می‌شود (صادقی ۱۳۸۲، ص ۷-۶). به گفته احمدعلی رجایی، ابدال «ب» به «بو» در لهجه بخارایی نیز دیده می‌شود؛ وی در کتاب خویش شاهد‌های بویرند و بویرنید را از تحف اهل بخارا نقل می‌کند و متذکر می‌شود: «تلفظ این با در خراسان هم اکنون نیز با ضمه است و ظاهراً در زبان قدیم مردم شرق ایران (دری) هم مضموم بوده است» (رجایی بخارایی ۱۳۷۵، ص ۴۷-۴۸).



■ کاتب در برابر نشانه‌های استفهام عربی، گاهی هیچ کلمه‌ای قرار نداده و جمله را با آهنگ، پرسشی کرده‌است: ایشان قسمت می‌کنند رحمت خدای تو (۲۳ رو)؛  
در برابر همزه استفهام کلمه یا آمده‌است: با (= استفهام) بگذاریم شما را بر گذاشته بدانک شما مردمان میسرف‌اید (۱۸ رو).

■ در برابر او کلمه یا آمده‌است: یا (او استفهام) آنکسی که بالد (اصل: با او = ینشوا) در زیور او در پیکار کردن هویدا و پیداسخن است (۲۱ پشت).

■ در برابر هل کلمه هیچ آمده‌است: می‌گویند هیچ (= هل) راهی است (به‌جای هست) بوازگشتن (۱۵ پشت).

مؤلف از کلمات پرسشی چرا (= چرا) (۲۳ پشت، ۲۷ رو)، چه (= چه) (۸ رو)، و چی (۴۹ رو) استفاده کرده‌است.

#### ضبط چند کلمه مطابق یا نزدیک به صورت کهن

تعدادی از واژه‌های کهن، که ریشه در فارسی میانه دارند، به شکل اصلی یا تحول‌یافته در این متن دیده می‌شود و شکل تحول‌یافته آنها با فارسی معیار متفاوت است:  
اشما (= شما) (در پهلوی: ašmā) (۲۲ پشت، ۴۱ رو، ۴۳ رو، ۵۴ پشت)؛ اشنوا (در پهلوی: āšnawāg) (۶ رو)؛ بازارگانی (در پهلوی: wāzārgānīh) (۵۹ رو، ۶۳ رو، ۶۴ پشت)؛ تُوانا (در پهلوی: tuwānāg) (۱۲ رو)؛ فریسته (در پهلوی: frēstag [مکنزی ۱۳۸۳، ص ۲۷۸]) (۴ رو، ۲۱ پشت، ۲۹ پشت، و غیره).

ند به‌جای نده<sup>۱</sup>: هر صبرکننده شکرکنند (۱۳ پشت)، کیست نصرت‌کنند وا خدای (۶۰ رو).  
شناسه «یم» (به‌جای م) : آوردیم (= آوردم): بگو اگر چه که آوردیم بر شما راست از آنچه یافته‌اید اشما و ر آن پدران خویش ایشان گفتند ... (۲۲ پشت)؛

ایک (= یک) (در پهلوی: ēk): و اگر نه آن بودی که بودند مردمان همه ایک گروه ما کردم (۲۴ پشت)؛

مرگی (= الموت) (در پهلوی: marg(ī)h) (۶۳ پشت)، در مقابل مرگ (۶۷ پشت)؛

۱. درباره این استعمال باید بگوییم «ند» صورت کهن «نده» است که در مراحل بعدی «ه» بدان افزوده شده‌است (دراین باره، ← ابوالقاسمی ۱۳۸۷، ص ۱۷۹-۱۸۰). پسوند «ند» در بسیاری از متون به‌کار رفته‌است (برای شواهد بیشتر، ← حاجی‌سیدآقایی ۱۳۹۱، ص ۱۰۱-۱۰۴)

۲. شناسه اول‌شخص مفرد و جمع در زمان حال در زبان پهلوی ēm- است که بعدها به om- و am- تحول یافته‌است. ضبط فوق نشان می‌دهند که تلفظ ēm- در زمان مؤلف یا کاتب نسخه رایج بوده‌است (صادقی ۱۳۸۶، ص ۳۹۱).

ی به جای کسره اضافه: درختی زقوم (= درخت زقوم) (۳۸ پشت)، گروهی بی‌دادگران (۶۲ رو). درباره علت این ضبط باید گفت این صورت به ریشه کهن آن بازمی‌گردد. کسره اضافه در پهلوی آ است (آموزگار و تفضلی ۱۳۸۲، ص ۱۳۲). این کاربرد در متون کهن دیگر نیز دیده می‌شود: روزی واپسین (ترجمه و قصه‌های قرآن، ج ۱، ص ۲۹، سطر ۱۴)؛ ستوری خویش (لسان‌التزیل، ص ۵۰، سطر ۸).

#### برخی نکته‌های دستوری

در بسیاری از متون قدیم، در کنار مفعول «را» به کار نمی‌رفته است، در این بخش دومورد از این استعمال دیده شده است: گفتند قوم خویش (۵۲ رو)، جزا می‌دهند شما (۷۷ رو).

#### کاربرد مر... را

دوستان آن روز برخی از ایشان مر برخی را (۳۰ پشت)؛ گفت مر مردم را کافر مشو (۴۹ پشت)؛ ای بارخدای ما مکن ما را آزمونی مر آنکسانرا که کافر شدند (۵۳ رو).

#### کاربرد اندر

اندر (۱۲ رو، ۳۴ پشت، ۳۴ رو).

#### کاربرد اندر

اندر (۱۲ رو، ۳۴ پشت، ۳۴ رو).

#### فهرست واژه‌های مهم

اشما: شما (۲۲ پشت، ۴۱ رو، ۴۳ رو، ۵۴ پشت).	بیارامانید: اَسْكِنُوهُنَّ (۷۲ رو).
اشنوا (۶ رو).	بیمیراند (۵ رو).
انشان: ایشان (۴۸ رو).	پرهزکاران (۲۴ رو) و نیز پرهزید (۵۶ پشت، ۷۱ رو).
ای جهان: الدنيا (۹ رو).	پسروی گان: مُتَّبِعُونَ (۳۶ پشت).
ایک: واحدة (۲۴ پشت).	توانا: قدیر (۱۲ رو).
بیرویده‌اند: آمَنُوا (۱۵ رو)،	خندستانی کردند: یَسْتَهْزُونَ (۱۹ پشت)،
بچفته است: فَكَلَّمَتْهُ (۷۶ رو).	خوشاوندان (۴۵ رو).
بدگان: عباد (۱۲ پشت).	دشمنایگی: العداوة (۵۳ پشت)
بزرگ‌منشی می‌کنند: مستکبرون (۶۶ پشت).	دهشی (= صدقه) (۷ رو).
بمحماید از: يُكْفَرُ عَنْ (۶۹ رو، ۷۲ رو، ۷۷ رو).	دیوا سطر: استبرق (۳۹ پشت).
بویینی: تری (۱۰ پشت)؛	

- دیوهای تنک: سندس (۳۹ پشت).  
رستی‌جای: محیص (۲ پشت).  
روز فاهم آمدن (۵ پشت).  
روی فاروی گرداننده: متقابلین (۳۹ پشت).  
زشتی: فاجِشَة (۷۲ پشت).  
فاگذارید: تَصَفَّحُوا (۷۰ رو).  
فراخ‌دستی (۷۳ رو).  
کازها: سُقِّفَا (۲۴ پشت).  
کالمان: كَيْبَاتٍ (۷۷ پشت).  
کبه‌ایم: لاغْلَبَنَّ (۴۲ پشت).  
کیلیدها: مَقَالِيدُ (۶ رو).  
گشتن‌جای: محیص (۱۳ رو).
- می‌بشتاب فاخواهند: يستعجل (۹ رو).  
نیپاسی می‌کند: كفور (۱۶ رو).  
نمی‌بروند: لَا يُؤْمِنُونَ (۳۳ رو).  
نه‌اوید (= لم تجدوا) (۷ رو).  
نه‌بدو سیدند: لَمْ يَحْتَسِبُوا (۴۴ پشت).  
نهمار (۵۷ رو).  
واین‌هایدن: ملجا (۱۶ پشت).  
وخشاننده: الرحيم (۱۸ پشت).  
وخشاننده (۷ رو).  
همیدون (۱۴ رو، ۲۸ رو، ۵۴ رو، ۷۰ پشت، ۷۷ رو).

### منابع

- آموزگار، ژاله و احمد تفضلی (۱۳۸۲)، زبان پهلوی (ادبیات و دستور آن)، تهران.  
ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۷)، دستور تاریخی زبان فارسی، سمت، تهران.  
ترجمه تفسیر طبری (۱۳۴۴-۱۳۳۹)، به اهتمام حبیب یغمایی، دانشگاه تهران، تهران.  
ترجمه و قصه‌های قرآن (۱۳۳۸)، به اهتمام یحیی مهدوی و مهدی بیانی، دانشگاه تهران، تهران.  
تفسیر قرآن پاک (۱۳۴۴)، چاپ عکسی از روی نسخه محفوظ در دانشگاه لاهور، با مقدمه مجتبی مینوی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران.  
تفسیر قرآن مجید (مشهور به کیمبر یج) (۱۳۴۹)، به اهتمام جلال متینی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران.  
حاجی سیدآقای، اکرم‌السادات (۱۳۸۷)، «بررسی تحولات یک واژه فوت‌شده از فرهنگ‌های فارسی»، مجله نامه پارسی، سال ۱۳، شماره ۱ و ۲، صفحه‌های ۷۵-۹۵.  
حاجی سیدآقای، اکرم‌السادات (۱۳۸۸)، «لزوم تصحیح مجدد ترجمه تفسیر طبری»، معارف، شماره ۶۸، صفحه‌های ۱۰۹-۱۳۸.  
حاجی سیدآقای، اکرم‌السادات (۱۳۸۹)، لزوم بازنگری در تصحیح قصص الانبیای نیشابوری، ضمیمه ۲۱ مجله آینه میراث.  
حاجی سیدآقای، اکرم‌السادات (۱۳۹۱)، «درباره چگونگی ابدال صفت فاعلی به مفعولی»، دستور (ضمیمه نامه فرهنگستان)، شماره ۸، صفحه‌های ۲۱۳-۲۲۶.  
حاجی سیدآقای، اکرم‌السادات (۱۳۹۱)، پژوهشی در شیوه تصحیح تفسیر نسفی، ضمیمه ۲۸ آینه میراث.  
رازی، ابوالفتوح (۱۳۶۵ به بعد)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن (مشهور به تفسیر ابوالفتوح)، به کوشش محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، آستان قدس رضوی، مشهد.  
رجایی بخارایی، احمدعلی (۱۳۷۵)، لهجه بخارایی، مشهد.

- صادقی، علی‌اشرف (۱۳۷۳)، «بعضی تحولات ناشناخته کلمات عربی در زبان فارسی»، مجله زبانشناسی، سال ۱۱، شماره ۱، صفحه‌های ۱۱-۲.
- صادقی، علی‌اشرف (۱۳۸۲)، «فهلویات شیخ صفی‌الدین اردبیلی»، مجله زبانشناسی، سال ۱۸، شماره ۲، صفحه‌های ۱۳۳.
- صادقی، علی‌اشرف (۱۳۸۳)، «دو تحول آوایی در زبان فارسی (حذف و اضافه شدن صامت «ن») بعد از مصوت‌های بلند»، مجله زبانشناسی، سال ۱۹، شماره ۲، صفحه‌های ۹-۱.
- صادقی، علی‌اشرف (۱۳۸۴)، «تدقیقی در تحفة الملوک»، نشر دانش، شماره ۱۱۰، صفحه‌های ۵۲-۶۳.
- صادقی، علی‌اشرف (۱۳۸۴)، «یک تحول آوایی دیگر زبان فارسی: فرایند افزوده شدن صامت «ر» به بعضی از کلمات»، مجله زبانشناسی، سال ۲۰، شماره ۱، صفحه‌های ۱-۱۶.
- صادقی، علی‌اشرف (۱۳۸۵) «نکاتی در باب ترجمه تفسیر طبری مصحح مرحوم یغمایی»، ارج‌نامه حبیب یغمایی، تهران، صفحه‌های ۳۴۹-۳۶۸.
- صادقی، علی‌اشرف (۱۳۸۶)، «تفسیر کیمبریج»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، به سرپرستی اسماعیل سعادت، تهران.
- صادقی، علی‌اشرف و حاجی سیدآقایی، اکرم‌السادات (۱۳۹۰)، «بعضی شکل‌های ناشناخته شناسه‌ها در فارسی قدیم»، دستور (ضمیمه نامه فرهنگستان)، شماره ۷، صفحه‌های ۳-۵۷.
- غلامرضایی، محمد و حاجی سیدآقایی، اکرم‌السادات (۱۳۸۶)، «نشر شیوای فارسی در خدمت قرآن»، مجله کتاب ماه ادبیات، سال ۱، شماره ۵.
- فرهنگنامه قرآنی (۱۳۷۷)، زیر نظر محمدجعفر یاحقی، آستان قدس رضوی، مشهد.
- کریمی‌نیا، مرتضی (۱۳۹۶)، «قرآن خراسان، دختر نیشابور با ترجمه فارسی از قرن پنجم»، مجله ترجمان وحی، شماره ۴۲، صفحه‌های ۷۱-۱۲۰.
- لسان‌التزیل (۱۳۴۴)، به اهتمام مهدی محقق، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
- مکنزی، دیوید نیل (۱۳۸۳)، فرهنگ کوچک زبان پهلوی، ترجمه مهشید میرفخرایی، پژوهشگاه علوم انسانی، تهران.
- نفیسی، سعید (۱۳۴۴)، فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی، جلد ۶، چاپخانه مجلس شورای ملی، تهران.